

ادامه از صفحه اول

ایستادن در مرز آینده‌های فرهنگی

از این منظر اگر به جهان چو نیک بنگری همه تزویر می‌کنند. و تنها راه پیش‌رو «اعتراض خاموش» و «سکوت مدنی» است و نه حتی «رای سفید». گویی همانند سلحشور و جوانمرد و شوالیه در داستان‌ها و اسطوره‌ها که می‌داند و از عمق جان آگاه است که زمانه، زمانه او نیست و همه‌چیز در حال فروپاشی و آشوب است، فروپاشی پندار، گفتار و کردار نیک. در این زمانه، چاره و تدبیری نیست جز انزواکزیدن و لب‌فروستن زیر دوره و عهد نیکی به سرآمده و دروغ و ربا و تزویر و ستم عالم‌گیر شده است. در این وضع، تنها راه سلامت‌اندیشیدن، نیک‌کرداری و به‌زیستن مهاجریودن و ترک وطن سیاسی و جلای انفسی است؛ هرچند جانگاه و غم‌بار باشد و رنج‌آور و تژادیک و این یعنی در آستانه‌بودن و لب مرز زیستن.

این زخمه آگاهی، به قول صادق هدایت، که مثل خوره روح را آهسته در انزوا می‌خورد و می‌تراشد و انسان را تا مرز و پرتگاه مرگ سیاسی و فرهنگی پیش می‌راند، آنگاه به خودآگاهی ارتقا می‌یابد که سلحشور و جوانمرد به متن زندگی و جهان‌زیست واقعی بازگردد و بیابد که در لب مرز ایستادن در آگاهی با لب مرز ایستادن در عمل یکی نیست. سکوت مدنی و اعتراض خاموش لب مرز خیر و شر ایستادن و منزهبودن از زر و زور و تزویر نیست زیرا در عمل گشودن راه برای کارگزاران جهالت و پوپولیسم و شر بشری است در جهانی که چهار نشانه برجسته دارد: ترامپ، پوتین، اردوغان و ابوبکر بغدادی و انتخابی است هرچند ناخواسته. نشانه پنجم در این جهان هنوز مردمی معترض و مخالف این وضع جهان هستند اما برخی مردم در عمل و برخی مصمم.

در وضع موجود و واقعیت حاد و روشن، ملاک ارزش داوری وضع کنونی که دولت مستقر و جریان‌های سیاسی هم بخشی از آن هستند، حال کنونی و فعلی دولت و احزاب ملاک نیست، بلکه آینده بالقوای معیار است که پشت این وضع دولت مستقر و واقعیت موجود وجود دارد. از این‌منظر هر وضعی، دولتی، حزبی و گرایش‌ی آینده‌ای دارد که بیش از وضع فعلی آن مهم و سرنوشت‌ساز است. آینده‌ای توأم با زر و زور و تزویر یا آینده‌ای به طور نسبی توأم با هم‌زیستی و صلح و آرامش و گفت‌وگو. وضع فعلی گرایش‌های سیاسی و دولت از آن جهت مهم است که کدام آینده فرهنگی را پیش‌رو دارد یا تضمین می‌کند. جهان تقسیم شده میان چهار نشانه و رکن آن (پوتین، ترامپ، اردوغان و ابوبکر بغدادی) با جهان فرهنگی مشترک میان شرق و غرب و جنوب و شمال و درعین‌حال؛ «نه شرقی و نه غربی» و «نه شمالی و نه جنوبی». نه ایستادن در میان بد و نیک در عالم نظر و پندار هر قدر خیر باشد و نیک که هست، نه ایستادن میان آینده بد و بدتر در عمل شر است و بد. حال را شاید ما ساخته و پرداخته نکرده باشیم‌که کرده‌ایم، اما رای‌دادن به کدام آینده فرهنگی انتخاب ما است و پاسخی به پرسش فرزندانمان نسبت به‌وضع حال است. در آینده، همان‌قدر که ما در برابر وضع محیط زیست‌مان به نسل آینده باید پاسخ‌گو باشیم و متعهد و به جایگزینی منابع پیدار به جای منابع فسیلی باید بیندیشیم و اقدام کنیم، همان قدر هم نسبت به وضع زیست‌فرهنگی پایداران به این نسل باید پاسخ‌گو باشیم که کدام آینده فرهنگی را برای آنها تمهید و تدارک کرده‌ایم. رای‌دادن در هر انتخابی تنها رای‌دادن به وضع موجود نیست، رای به آینده هم هست. اینکه به کدام آینده فرهنگی رای می‌دهیم، انتخاب و عمل مسئولانه ماست. میان مصلحت حال ملتی و نتیجه صندوق رای همواره وفای اساسی و الزامی وجود ندارد؛ اما میان رای ما و آینده فرهنگی تناسب و رابطه‌ای هست.

ایرانیان، به دور از هرگونه گراف‌گویی نژادپرستانه، از منظر زمانی، دهه‌ها از جهان پیرامونی خود پیش‌تر بوده‌اند. ما تجربه مشروطه و انقلاب اسلامی و تأسیس جمهوری اسلامی به رای مردم و در مخالفت با استبداد و دیکتاتوری را دهه‌ها پیش‌تر از بهار عربی و انقلاب مرک‌بار و تباه‌کننده کشورهای عربی از سرگذرانیم. پوپولیسم سیاسی و فرهنگی خانمان‌سوز را پیش‌تر از مهد مرئیته و کشورهای اروپایی تجربه کردیم. پیش‌تر از کشورهای همسایه به اصل مدارا و گفت‌وگوی فرهنگی و پرهیز از خشونت سیاسی و اصلاحات سیاسی رای دادیم. این‌بار باز باید پیشگام باشیم و از تجربه‌ها و آموزه‌های فرهنگی و سیاسی خود عبرت بگیریم و سرمشق بنویسیم که آینده فرهنگی شاخص مهم‌تر از چندوچون بر سر وضع حال است.

بدون اغراق تمامی نامزدهای انتخاباتی کنونی شاید در نقد یا دفاع از وضع موجود محق باشند و دلایل موجهی اقامه کنند اما مهم تنها تشریح ضعف‌ها و کاستی‌های وضع موجود و دولت مستقر با دستاوردها و نتایج «تغییرات ملموس» آن نیست؛ مهم‌تر «آینده مشهودی» است که هر کدام از نامزدها می‌آفرینند و اینکه با کدام‌یک از نامزدها بر سر آینده فرهنگی جهانی و ملی توافق داریم و هر کدام، کدام راه آینده فرهنگی سالم، سازنده و بانشاط را برای نسل آینده می‌گشایند هرچند ناخواسته و ناآگاهانه.

اقتصاد

کارشناسان نخستین گفت‌وگوی تلویزیونی کاندیدای دوازدهمین دوره ریاست‌جمهوری را تحلیل کردند

تغییر مدیریت «گازانبری» به «اورژانسی»

واکنش گمرک، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز و سازمان بنادر به ادعاهای قالیباف

یک میلیون تن محصول سخن گفته و از حل مشکل اشتغال بر پایه بخش مسکنی که در رکود است، صحبت می‌کند.

او بی‌پروا وعده‌هایی می‌دهد که به گمان کارشناسان بن و پایه علمی ندارد و بیشتر محصول ناآگاهی از اقتصاد است. قالیباف، درباره آزادراه تهران- شمال گفته که «پیرمردها فوت کردند، بچه‌ها بزرگ شدند، ولی هنوز آزادراه تهران- شمال را نساختند؛ باید جاده را ثبت میراث فرهنگی کنید». وزیر راه و شهرسازی هم در واکنش به این سخن او ادعایش را خلاف واقع و «گمراه‌کننده» توصیف کرده است؛ اما در دیگر حوزه‌ها «شرق» در گفت‌وگو با سه کارشناس حوزه اقتصاد کلان و سیاسی، وعده‌های اقتصادی آقای شهردار را بررسی کرده است. گمرک، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز و سازمان بنادر هم به سخنان اقتصادی قالیباف واکنش نشان داده‌اند که در ادامه همین گزارش و در سرکلیشه «واکنش» می‌آید.

متهاب قلی‌زاده: محمدباقر قالیباف، پس مدیریت گازانبری، حالا از مدیریت اورژانسی رونمایی کرده است؛ او که پیش‌تر از مدیریت گازانبری‌اش راه به جایی نبرده، حالا می‌خواهد مصائب کشور را اورژانسی حل کند. او به‌صراحت گفته که «بخش کم‌درآمدهای شدید را در نخستین گام رسیدگی می‌کنیم و به‌شکل «اورژانسی» مسائل و مشکلاتشان را کاهش خواهیم داد و برای آنها حتماً یارانه را اضافه می‌کنیم تا این‌رکود و بی‌کاری آنها را از پا درنیاورد. دولت مردم برای این عزیزان باید کار ویژه و اورژانسی انجام دهد؛ آنها نمی‌توانند منتظر این باشند که رشد را به کجا برسایم؛ دیگر جانی برایشان باقی نخواهد ماند».

شهردار تهران، بی‌توجه به واقعیت‌هایی که پرداخت یارانه نقدی بر کشور تحمیل کرده است، وعده افزایش یارانه داده است؛ به آزادراه تهران-شمال تاخته، از ایجاد شغل ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزارنفری به ازای هر

حرف‌های بی‌مبنای شعاری علی سرزعم، استادیار اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی



شاید بهترین روش برای بررسی وعده‌های کاندیدها، بررسی مبنایی باشد که براساس آن ارقام‌شان را بیان می‌کنند. درباره آقای قالیباف، متأسفانه باید گفت ارقامی که در سخنان انتخاباتی‌اش مطرح می‌کند، اصلاً پایه و مبنایی ندارد، نه اینکه پایه و بنای علمی نداشته باشد، واقعیت این است که روشن نیست اصولاً این سخنان مبنایی دارد یا خیر؟ برای نمونه به چند موردی که در سخنان پنجشنبه‌شب بیان کرده‌اند، اشاره می‌کنم؛ آقای قالیباف درباره چهار درصد مردمی در ایران سخن گفته است که به تعبیر ایشان افراد تافته جدابافته از مردم هستند یا در نمونه‌ای دیگر اشاره کردند که آنهایی که قاچاقچی حرفه‌ای هستند و دلالتی که زالوصفانه

دروغ می‌گویید یا اطلاع‌آید؟ سعیدلیلاز، استاد اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی



امروز بهترین زمان بررسی موقعیت شعارهای اقتصادی کاندیدهای ریاست‌جمهوری است؛ اما متأسفانه گویا آقای قالیباف باز هم به تکنیک‌های گازانبری روی آورده است؛ ایجاد پنج میلیون شغل و ۲۵۰ برابرکردن درآمد کشور و شعارهای شگفت‌آوری که مطرح می‌کند، شبیه همان تکنیک‌های گازانبری سابقش است. اما او برای افزایش شغل در حوزه مسکنی که در رکود است، ایجاد ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار شغل از یک میلیون تن محصول پتروشیمی و غیره چه مکانیزمی دارد؟ آیا نباید برنامه‌هایش را برای اولین دستاوردهای آینده تشریح کند؟

آیا می‌خواهد از سابقه نظامی‌اش برای کُشورداری استفاده کند؟ آیا می‌خواهد مالیات‌ها را افزایش دهد؟ آیا با مصادره اموال آن به قول خودش

کلی‌گویی‌هایی شبیه یک‌رای هادی‌حق‌شناس، نماینده سابق مجلس



واقعیت این است که هر فردی که برای ریاست‌جمهوری کاندیدا می‌شود، از وضع موجود ناراضی‌ای خاصی دارد؛ بنابراین همه براساس آن نارضایتی وارد کارزار انتخاباتی می‌شوند. وضع اقتصادی کشور هم روشن است. این‌که آمار بی‌کاری باید بهبود پیدا کند؛ اینکه آمار خط فقر و نرخ طلاق و بسیاری آمارهای دیگر اکنون برانزده ایران نیست و می‌خواهیم بهبودی در اوضاع ایجاد شود. از همین مقدمه هم می‌توان نتیجه گرفت که همه کاندیدها اعلام می‌کنند که می‌خواهند فساد را برچینند، شعارهای مطلوب را مطرح کنند؛ از بهترین نرخ بی‌کاری و تورم و رشد

اقتصادی وعده بدهند و خودشان را به این روش مطرح کنند؛ اما اینها شعار است؛ ایده‌آل‌ها است و باید دید این شعارها با چه ابزار و برنامه‌ای قابل‌تحقق است؛ استراتژی حل اینها چیست؟ چرا تاکنون حل نشده است؟

آقای قالیباف شعارهایی مطرح کرده‌اند، اما برای شعارهایش هیچ برنامه‌ای ارائه نداده است؛ بلکه تنها کلی‌گویی کرده است. شبیه بیان رویاها بوده است؛ چراکه هیچ منطق و استدلالی برای دست‌یافتن به این شعارها مطرح نمی‌کند. واقعیت این است که عرصه کُشورداری، عرصه رفیاب‌داری نیست. هرچند دیگر کاندیدها هم برنامه مستدلی ارائه نکرده‌اند. اما جزئیکی دو مورد وعده‌ای به این بزرگی هم نداده‌اند. اینها تا راه‌حل ارائه ندهند، شعارهای‌شان قایده‌ای ندارد و منتج به بهبودی اوضاع نمی‌شود.

به گمان من، شعار چهار درصدی که ثروت را

بدون هیچ فعالیت و تلاشی بیشترین سهم و سود را از دست‌رنج کشاورزان و تولیدکنندگان صنعتی و کشاورزی می‌برند و منافع چهار، پنج برابری دارند. خوب، من پرسش این است که اصلاً این اعداد را از کجا آورده‌اند؟ به چه روشی متوجه شدند که بیشتر ثروت ایران دست چهار درصد مردم است؟ ما در روش‌های علمی امروز بیش از هر نکته و درصدی، دهک‌های درآمدی را هدف قرار می‌دهیم. واقعیت این است که به گمان من آقای قالیباف از استراتژی سیاه‌نمایی آقای احمدی‌نژاد استفاده می‌کنند؛ درباره فاصله دهک‌های درآمدی و بی‌کاری و... از شبیه اغراق‌آمیز و سیاه‌نمایی بهره جسته‌اند؛ اما متأسفانه بیشتر سخنان‌شان «من‌درآوردی» است و همان‌طور که اشاره شد، بن و پایه علمی ندارد. نمونه دیگر سخنان بی‌پایه آقای قالیباف، موضوع ایجاد شغل از محل صنایع پتروشیمی است؛ او گفته «اگر برای همین یک مورد اقدام جدی شود، چند صد هزار شغل ایجاد می‌شود. در صنایع پتروشیمی به‌ازای هر یک میلیون تن، ۲۰۰ هزار شغل به شکل مستقیم و



۴۰۰ هزار شغل غیرمستقیم ایجاد می‌شود». متأسفم که باید بگویم اینجا هم سخن بی‌معنای دیگری عنوان کرده است. همه می‌دانند پتروشیمی صنعتی به‌شدت سرمایه‌بر و کم‌کاربر است. واقعیت این است که اگر فقط یک بار، یک پتروشیمی را از نزدیک دیده بود، متوجه می‌شد این سخنان غیرکارشناسانه است، چراکه پتروشیمی از جمله صنایعی است که کمترین شغل را با بیشترین سرمایه ایجاد می‌کند. نمونه دیگر سخنان‌شان درباره مسکن است؛ متأسفانه آقای قالیباف به مسائل داخل، قدرت رقابت با خارجی‌ها را ندارند؛ این مشکل باید با یک سری مقدمات مانند کارکرد نظام بانکی، حل معضل رکود، رشد در صنایع و... حل شود؛ سپس صنایع رشد کنند و در گام بعدی محصولات باکیفیتی که نیاز مصرف‌کننده داخلی را برطرف کنند، تولید شود.

داستان این‌گونه آماده‌ی بسیار روش و شفاف است؛

هر جا که ضعیفی باشد، فعالان سیاسی محتاج رای

مردم، در سخنان و شعارهایشان به آن هجوم می‌برند؛

اما آقای قالیباف برنامه‌ای برای حل این موضوع ندارد،

تنها شعار می‌دهد.

امروز تولید صنعتی ایران بین ۱۲ تا ۱۵ درصد بیش از سال ۱۳۹۲ است؛ تولید بخش کشاورزی هم در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۹۲ بین ۲۰ تا ۲۵ درصد رشد داشته است؛ کسری تراز پرداخت بازرگانی، بین ۳۰ تا ۳۵ درصد نسبت به سال ۱۳۹۰ بهبود پیدا کرده است.

متأسفم که باید بگویم همه شعارهای آقای قالیباف، نشان‌دهنده عمق بی‌اطلاعی این فرد به اعداد و ارقام و موضوع اقتصاد است؛ دقت کنید که در دولت آقای روحانی، ۹ میلیون تن به تولید پتروشیمی اضافه شده است؛ برمبنای سخنان آقای قالیباف باید ۴۰۵ میلیون شغل ایجاد می‌شد؛ اما این اتفاق شبیه شوخی است؛ اکنون تولید پتروشیمی کشور بین ۴۵ تا ۵۰ میلیون تن است؛ این یعنی اگر ۴۰۰ هزار شغل برای هر میلیون تن ایجاد شود، باید تنها ۲۰ میلیون شغل در این صنعت داشته باشیم؛ دقت کنید که این عدد چقدر خنده‌دار است. این انتخابات نشان داد که آقای قالیباف تا چه حد با اعداد و ارقام بیگانه است. حالا بیاید و روشن کند که آن حرف‌ها را از روی بی‌اطلاعی زده یا دروغ گفته است.

راستی عجیب است. برای نمونه گفته‌اند، در صنایع پتروشیمی به ازای هر یک میلیون تن، ۲۰۰ هزار شغل به صورت مستقیم و ۴۰۰ هزار شغل غیرمستقیم ایجاد می‌شود. خوب، چطور ممکن است که فردی در این سطح، که می‌خواهد رئیس‌جمهور شود، بدون مطالعه کارشناسی از اعداد و ارقامی سخن بگوید که به شوخی شبیه است؟

نمونه دیگر اینکه گفته است به افراد بی‌کار حقوق می‌دهد؛ خوب اکنون براساس بخشی از گزارش‌های رسمی بین چهار تا پنج میلیون نفر بی‌کار داریم؛ اما، بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ میلیون نفر، از جمله زنان خانه‌دار، اکنون، بی‌کارند یا جویای شغل نیستند؛ اینها همه می‌توانند برای دریافت حقوق ثبت‌نام کنند؛ خوب؟ برنامه ایشان برای تمیز افراد واقعی جویای کار از بی‌کاری دیگر چیست؟ به نظر می‌رسد، ایشان باید به‌جای شعاردادن کمی هم به تشریح برنامه‌هایش روی بیاورد.

در اختیار دارند، که آقای قالیباف مطرح کرده است، گره‌برداری شده از شعار وال‌استریت، یعنی یک درصد مقابل ۹۹ درصد است. اما بهتر است آقای قالیباف بگوید که این جامعه آماری از کجا آورده است؟ شبوه آمارگیری‌اش چه بوده است؟ متأسفانه آقای قالیباف بر گروه‌ها و دهک‌های درآمدی پایین تمرکز کرده است؛ چون گمان می‌کند، می‌تواند از ناآگاهی آنها بهره‌برد و رای جمع کند. به هر روی مطمئناً اینها جمعیت زیادی هستند که می‌توانند از این شعارها تأثیر بگیرند؛ واقعیت این است که از نظر عددی، قدر مطلق، ۱۰ درصد از جمعیت فقرا، بسیار بیشتر از ۱۰ درصد ثروتمندان است. با این همه استنباط کنونی من از ماجرا این است که تیم اقتصادی آقای قالیباف برنامه مدونی ندارد و این موضوع با وجود اینکه دو سه دوره است که کاندیدا می‌شوند، کمی عجیب است.

درباره ارقامی هم که مطرح می‌کنند، باید گفت به

واکنش

۳ واکنش در یک روز به ادعاهای قالیباف

به‌ویژه نیروی دریایی سپاه و ارتش جمهوری اسلامی انجام شده است. خورشیدی با اشاره به برخی اظهارنظرها درباره قاچاق کالا گفت: اظهارنظرهایی که این روزها با هدف تشویش اذهان عمومی و جلب آرا در تبلیغات انتخاباتی مطرح می‌شود، در حقیقت ظلم به مجموعه خادمان ملت در دستگاه‌های عضو ستاد است. وی تأکید کرد: نامزدها باید در این مقوله تجدید نظر کنند و با تکیه بر آمار و اطلاعات دقیق اظهارنظر کنند. سخنگوی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز اضافه کرد: البته ۱۳ میلیارد دلار قاچاق هم برای اقتصادی با حجم اقتصاد جمهوری اسلامی زیاد است، اما زیرباکداشتن دستاوردهای دولت در سه سال اخیر، ظلمی مضاعف به مجموعه دست‌اندرکاران در ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز است. وی تصریح کرد: واقعیت امر این است که همواره پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به‌ویژه در سال‌های دهه ۸۰ تا سال ۱۳۹۲ – که اتفاقاً برخی از نامزدهای فعلی انتخابات در آن زمان در مجموعه ستاد دارای مسئولیت بودند – همواره آمارها مؤید این است که ما شاهد افزایش قاچاق بودیم. اما در سه سال اخیر در نتیجه مجموعه اقداماتی که انجام شده، حجم قاچاق کاهش ۵۰درصدی داشته است. خورشیدی با تأکید بر اینکه این دستاوردها

واکنش

۳ واکنش در یک روز به ادعاهای قالیباف

واکنش سازمان بنادر به اظهارات تبلیغاتی
● ایرنا: سازمان بنادر و دریانوردی کشور با انتشار بیانیه‌ای به اظهارات تبلیغاتی محمدباقر قالیباف، نامزد دوازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری، واکنش نشان داد و این‌گونه سخنان را بی‌پایه و تنها به‌نفع بنادر رقیب در منطقه دانست. به گزارش ایرنا، در این بیانیه آمده است: جناب آقای محمدباقر قالیباف یکی از نامزدهای محترم ریاست‌جمهوری در برنامه تبلیغاتی خود در شبکه اول سیمای جمهوری اسلامی ایران در ساعت ۲۲ روز پنجشنبه هفتم اردیبهشت‌ماه، بدون ارائه هرگونه سند و مدرکی اتهام واردات بیش از ۲۰ میلیارد دلار کالای قاچاق از بنادر کشور را بیان کرد و گفت: «... بیش از ۲۰ میلیارد دلار کالای قاچاق از بنادر ما وارد می‌شود...» که این یک دروغ محض است.

این بیانیه می‌افزاید: آقای قالیباف در اظهارات خود بنادر کشور که یکی از مهم‌ترین مراکز اقتصادی کشور محسوب می‌شود و همچنین کارکنان آن که در یک دهه گذشته حتی یک مورد محکومیت قانونی در این زمینه ندارند را مورد اتهام قرار داده است.

در بیانیه سازمان بنادر و دریانوردی کشور تأکید شده است: این‌گونه سخنان بی‌پایه و غیرمستند تنها به‌نفع بنادر رقیب در منطقه خواهد بود که پس از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) موقعیت خود را متزلزل می‌بینند.

روابط‌عمومی این سازمان درخواست کرد برای جلوگیری از تشویش و گمراهی افکار عمومی به این اتهام رسیدگی و برای سازمان بنادر و کشتیرانی امکان دفاع از خود در رسانه عمومی فراهم شود. سازمان بنادر و دریانوردی کشور همچنین با ارسال نامه جدאگانه‌ای به رئیس ستاد انتخابات کشور، مراتب تکذیب و اعتراض خود را به اظهارات تبلیغاتی و بی‌اساس این نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری در شبکه اول سیما اعلام کرد.

واکنش گمرک به اشتباهات محاسباتی رقیب روحانی

● شرق: دیروز گمرک با انتشار توضیحاتی به تخریب دولت واکنش نشان داد. محمدباقر قالیباف، کاندیدای اصولگرای دوازدهمین دوره ریاست‌جمهوری در برنامه پنجشنبه‌شب خود که از شبکه یک سیما پخش شد، حملات تندی را علیه دولت آقاز کرد که بخشی از آن حول محور قاچاق و واردات بود. حالا گمرک با انتشار پاسخی مفصل حملات تند او را پاسخ داده است. روابط عمومی گمرک جمهوری اسلامی ایران در واکنش به برخی اظهاراتی که عملکردهای مثبت چهار سال دولت تدبیر و امید را خدشه‌دار کرده و فضای کشور را برای سرمایه‌گذاران ناامن جلوه می‌دهد، متنی را به شرح ریز منتشر کرده است: بادهمان نرود در شرایطی دولت یازدهم تحویل گرفته شد که هیچ گشایش اعتباری از طریق سیستم بانکی انجام نمی‌شد؛ فروشنده‌ها مستقیم به این افراد نمی‌فروختند و آنان برای دوزدن تحریم، کالای گران و بی‌کیفیت را به دست مصرف‌کننده ایرانی می‌رساندند. کالاهایی که فروشنده آنان مشخص نبود. بنادر بزرگ ایران مانند بندر شهید رجایی آن زمان تحریم بود و کالاها در قالب تلهنجی بدون اخذ گمرک مبدأ و بازرسی، کالا وارد کشور می‌شد که بر این اساس فروشنده آن، ارزی که برای کالا صرف شده بود و روند ترخیص مشخص نبود. بنابراین شرایطی داشتیم که ارز، گران‌تر خارج می‌شد بدون آنکه هویت آن مشخص شده باشد. مجموع سیاست‌های اتخاذشده در دولت‌های نهم و دهم شرایط را به‌گونه‌ای رقم زد که مبادی‌ای درست‌شد که کولبری، تلهنجی، گذر مرزی، مسافری و مرزنشینی را به وجود آورد که از این طریق تأمین نیاز صورت گرفت.

بر اساس مواردی که توضیح داده شد، ۲۵ میلیارد دلار قاچاق از این مبادی و اسکله‌هایی که مشخص نبود وارد کشور شد، در کنار آن ۶۳ تا ۷۰ میلیارد دلار برآورد واردات به کشور بوده که ۶۳ میلیارد دلار برای سال ۹۲ و ۷۰ میلیارد دلار برای سال ۹۱ بوده است.

اتفاقی که در دولت یازدهم افتاد این بود که واردات از ۷۰ میلیارد دلار به ۴۳ میلیارد دلار رسید که ۹۰ درصد آن کالاهای واسطه‌ای، ماشین‌آلات و مواد اولیه است؛ تنها ۱۰ درصد واردات ۴۳ میلیاردی را کالاهای مصرفی نهایی تشکیل دادند. حال سؤال این است چگونه می‌شود با واردات ۱۰۰درصدی کالاهای مصرفی نهایی ۲۰ میلیارد دلار قاچاق از مبادی رسمی وارد شود؟ بهتر است کاندیداهای محترم با ارقام آشنایی داشته باشند. بررسی اعداد روند وارداتی نشان می‌دهد که چنین اظهاراتی منطق اقتصادی و تجاری ندارد. شاید بر پایه همین عدم آشنایی باشد که اظهاراتی درباره ۲۵ برابرشدن درآمد کشور و ایجاد پنج میلیون شغل در دولت آینده وعده داده می‌شود.

در سفرهای رئیس دولت نهم و دهم واردات به‌صورت تلهنجی را چندین برابر کردند که در عمل تقریباً به‌تامی کالاهای لنج خاتمه پیدا کرده بود. بخشی از کالاهای وارداتی نیز به‌صورت کولبری انجام شده که در آمار رسمی نیست که تمامی اینها در دولت یازدهم تلاش شده به‌نظام برسد.

ادامه در صفحه ۸